



# موضوع الگوهای تدریس

مدرس: دکتر سیامک محبی

عضو هیأت علمی دانشگاه

# عوامل مؤثر در تدریس

قوانین و مقررات آموزشی

زمینه های علمی و ویژگیهای فردی فراگیران

اهمیت موضوع درسی

شخصیت مدرس

جامعه ای که مدرس و فراگیر در آن زندگی می کنند

زمینه های علمی و تجربی مدرس

زمینه و روابط اجتماعی و خانوادگی فراگیران

# الگوی تدریس



الگوی تدریس چهارچوب ویژه ای است که عناصر مهم  
تدریس در درون آن قابل مطالعه است

و

شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می تواند  
مدرس را در اتخاذ روشهای مناسب تدریس کمک  
کند.

# الگوهای تدریس



- الگوی معلم مدار
- الگوی دانشجو مدار
- الگوی عمومی تدریس
- الگوی پیش سازمان دهنده
- الگوی حل مسأله



# الگوي ماشيني نگري (معلم مداري)

- انسان موجودي غير فعال، تهی و منفعل.
- که ذاتاً تنبل و تن پرور است.
- فعاليت آدمي بر اثر نيروهاي خارجي انجام مي گيرد.
- هدف از تدريس: صرف انتقال اطلاعات و پر کردن ذهن و شکل دادن به رفتار مطابق با الگوهاي از قبل تعيين شده.



- تنظیم برنامه های تحصیلی مرحله به مرحله
- انعطاف ناپذیر
- تأکید در زمینه انتقال محتوا در آموزش
- مدرس مرکز این الگو و نقطه اتکای دانشجویان است.

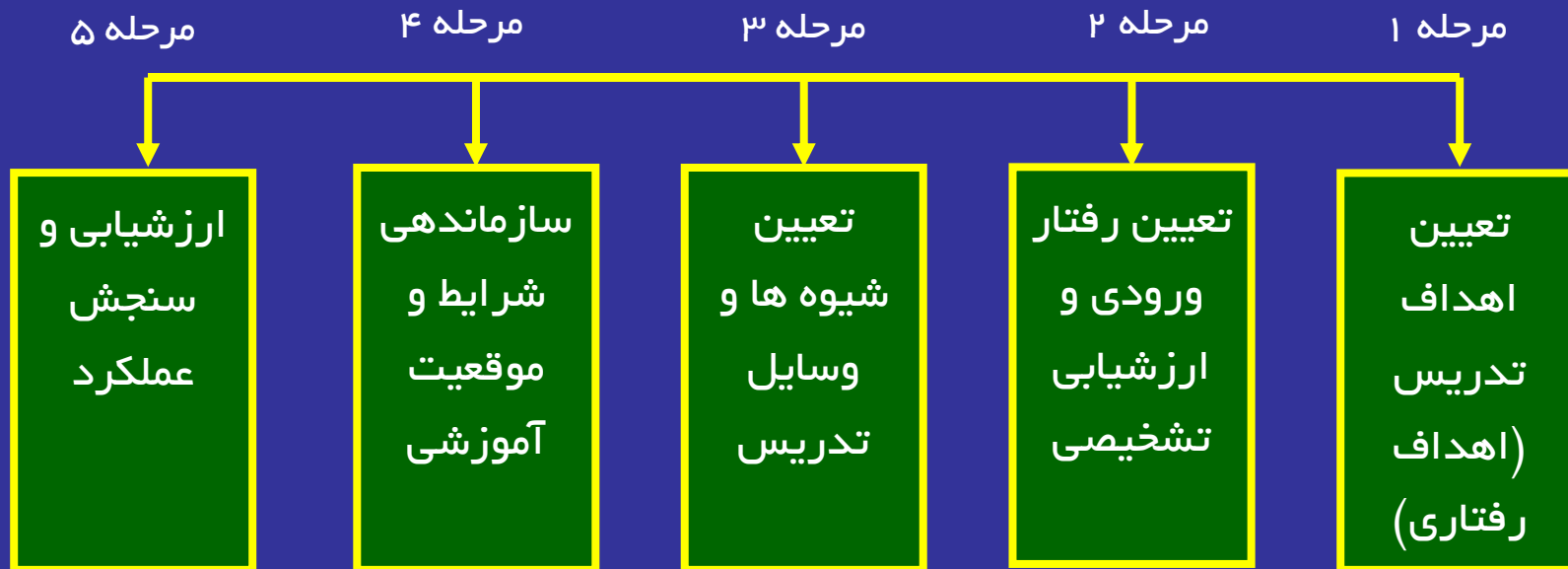
# الگوی سازمانی نگری (الگوی شاگرد مدار)



- توجه به دانشجو و تواناییهای او
- آدمی به عنوان موجود زنده ای در نظر گرفته می شود که ذاتاً فعال است.
- هدف از آموزش، بهبود افراد در جهت به ظهور رسانیدن تواناییهای بالقوه آنان
- مدرس همیشه به علل و چگونگی رفتار دانشجویان توجه دارد و هیچگاه رفتار آنان را نادیده نمی گیرد و برنامه ها را در جهت فهم و درک آنان سوق می دهد.



# الگوی عمومی تدریس





# ۱- تعیین اهداف تدریس و اهداف رفتاری

- مدرس پیش از آغاز تدریس، بر اساس انتظاراتی که در پایان درس از دانشجویان دارد، به صورت اهداف عینی و قابل اندازه گیری تعریف و مشخص می کند.

## ۲- تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی

- پیش از آغاز تدریس و بعد از تعیین اهداف رفتاری، مدرس باید توانایی های دانشجویان را برای آموختن هدفهای رفتاری معین سازد.
- این مرحله همان مرحله تعیین آمادگی فراگیران است

## ۳- تعیین شیوه ها و وسایل تدریس



- مدرس باید با توجه به مفاهیم درس و شرایط و امکانات و ویژگیهای دانشجویان شیوه ها و وسایل تدریس خود را انتخاب کند.

## ۴- سازماندهی شرایط و موقعیت آموزشی

- مدرس باید بتواند از مجموع امکانات به نحو شایسته استفاده کند.
- او نخست باید خود را برای تدریس آماده کند و سپس به آماده کردن کلاس و محیط آموزشی بپردازد.
- او باید تجارب لازم را برای فعالیتهای آموزشی کسب کند و دانشجویان را برای چنین تجاربی هدایت نماید.

## ۵- سنجش و ارزشیابی عملکرد

- در مرحله آخر میزان یادگیری شاگردان پس از پایان تدریس بررسی می شود.
- ارزشیابی معمول
- ارزشیابی عملکرد در موقعیتهای متعدد



# الگوی پیش سازمان دهنده

- پیش سازمان دهنده، یک مطلب یا مفهوم کلی است که در مقدمه تدریس می‌آید تا مبحثی را که به دانشجویان ارائه داده می‌شود با مباحث پیشین همان درس مربوط سازد
- در عین حال، پایه‌ای برای ارتباط مفاهیم بعدی با مفاهیم پیشین می‌شود و دانشجو می‌تواند تمام مباحث درس را به صورت یک ساختار منظم و سازمان یافته در ذهن خود جای دهد.



# اساس نظری الگوی پیش سازمان دهنده

- برای توصیف مفهوم ساختار، ۳ مجموعه مشخص متمایز ولی مرتبط را با هم مورد نظر است:
- الف- مفاهیم موجود در هر درس، ساخت ویژه ای را به وجود می آورند که در مجموع به آنها «دانش» می گویند  
مثل دانش بیوشیمی، دانش بیوفیزیک و ...





ب- ساخت هر رشته از دانش بر اساس سلسله مراتب، شکل می گیرد. ترتیب و توالی مفاهیم در این سلسله مراتب به گونه ای است که مفاهیم کلی پیش از مفاهیم جزئی شکل گرفته اند؛ بنابراین مفاهیم کلی باید قبل از مفاهیم جزئی ارائه شوند.

ج- مفاهیم و مطالبی را که می خواهیم در یک رشته درسی به دانشجو یاد بدهیم، باید با ساخت شناختی او یعنی با سایر مفاهیم و مطالب آن رشته که از پیش در ذهن وی به وجود آمده است مربوط سازیم.

# ساخت شناختی

- مجموعه اطلاعات و مفاهیمی که در زمینه یک رشته درسی در ذهن فرد به وجود می آید، ساخت شناختی او را از آن مجموعه دانش تشکیل می دهد.
- مثلاً مفاهیم درس بیوشیمی که از قبل در ذهن شاگرد به وجود آمده است، بر روی هم ساخت شناختی او در علم بیوشیمی تشکیل می دهد.
- دانشجو می تواند با استفاده از مفاهیم موجود در ساخت شناختی خود، در درس بیوشیمی به شناخت مفاهیم و پدیده های جدیدتری برسد.

- آگاهی‌ها و مفاهیم تازه وقتی که با مفاهیم و آگاهی‌های پیشین ما یا به عبارتی دیگر با ساخت شناختی ما رابط داشته باشند، به صورت یادگیری معنی‌دار قابل آموختن هستند.

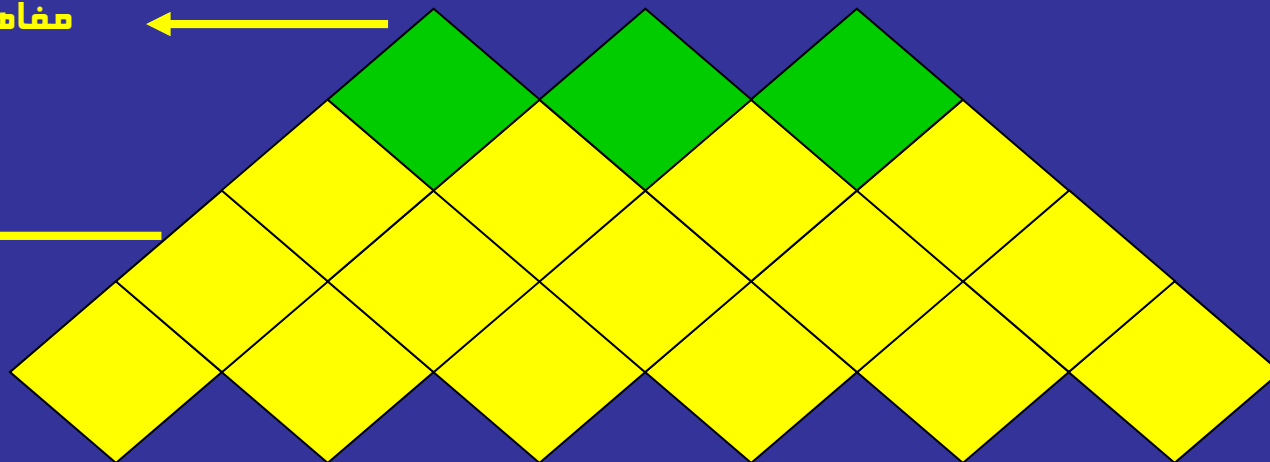
# یادگیری معنادار

- اگر بخواهیم مطلبی را بر اساس الگوی پیش سازمان دهنده تدریس کنیم، باید آن را به مطالب گذشته ای که در آن زمینه در ساخت شناختی دانشجویان موجود است ربط دهیم.
- یادگیری معنادار به آن نوع یادگیری گفته می شود که مفاهیم جدید، ریشه در مفاهیم گذشته فرد داشته باشد و بر اساس آن بنا شود.

مفاهیم جدید



مفاهیم  
پیشین



ساخت  
شناختی



- یادگیری مطالب و مفاهیم، به طور پراکنده و گسیخته، موجب یادگیری طوطی وار و سطحی خواهد شد و در نتیجه زودتر نیز فراموش می شود، در حالی که اگر مفهوم و مطلب آموختنی با مطالب پیشین ربط داده شود، یادگیری معنادار خواهد شد.

# مراحل اجرای الگوی پیش سازمان دهنده



- ارائه پیش سازمان دهنده
- ارائه مطالب و مفاهیم درس جدید
- باید مثالها و نمونه هایی برای تفهیم بیشتر مطالب جدید آورده شود

# چگونگی کنش و واکنش مدرس و شاگردان

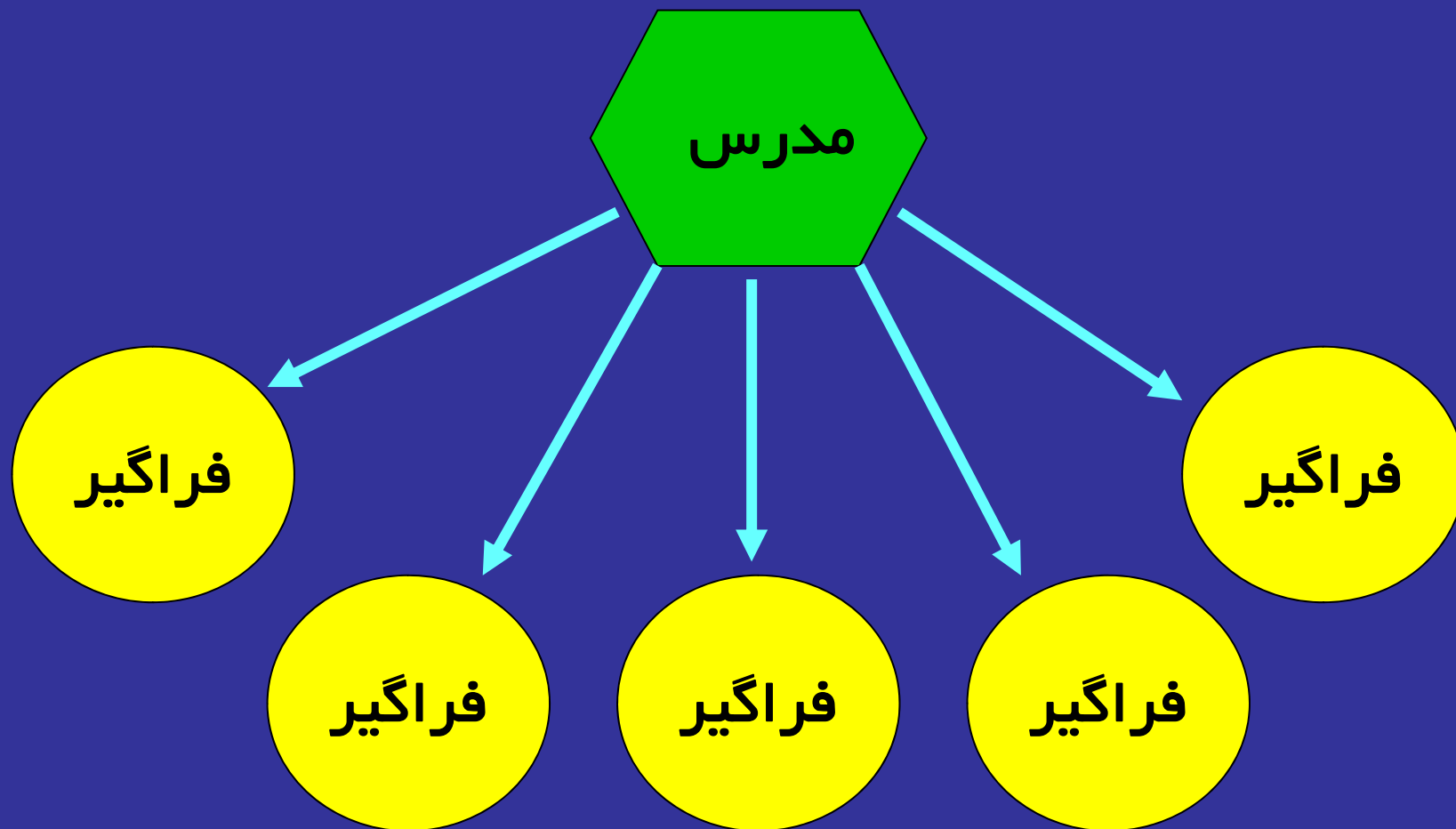


- مدرس نقش ارائه کننده مفاهیم پیش سازمان دهنده و مطالب درسی را دارد و دانشجویان دریافت کننده و پذیرنده مطالب درسی هستند.
- نکته: مدرس باید اطمینان حاصل کند که دانشجویان پیش سازمان دهنده را درک کرده اند و می توانند آن را به مطالبی که بعداً عرضه می شود ربط دهند.





- در این الگو محتوای آموزشی از پیش تهیه می شود و ترتیب و توالی ارائه آنها به نحوی است که قبلاً گفته شد.
- مدرس به عنوان سازماندهنده و نیز ارائه کننده محتوای آموزشی، در تحقق هدفهای تدریس و بهبود فرایند آن، نقشی فعال و قاطع دارد.
- در این الگو مدرس نقش انتقال و ارائه دهنده درس را به عهده دارد. در مقابل دانشجو درس را می گیرد، می پذیرد و احتمالاً در ساخت شناختی خود جای می دهد.





- الگوی پیش سازمان دهنده در نظامهای آموزشی فقیر که مدرسانی با تجربه ولی امکانات آموزشی محدود دارند الگوی مناسبی است.
- در این الگو از یک زمان آموزشی محدود می توان حداکثر استفاده را کرد.
- به علت برنامه ریزی دقیق مدرس، از اتلاف وقت جلوگیری می شود و گروه کثیری از دانشجویان با کمترین امکانات آموزش می بینند.
- این الگو مناسب دروس نظری است.



- شیوه تدریس و فعالیتهای آموزشی در این الگو بر اساس تصمیمات مدرس گرفته می شود.
- در چنین الگویی نیازها و علایق و تواناییهای دانشجویان کمتر مورد توجه است. به همین دلیل آنان کمتر احساس موجودیت و مسئولیت می کنند.
- در این الگو به مسایل روانی، عاطفی و اجتماعی دانشجویان کمتر توجه می شود و رضایت خاطر آنان چندان مورد توجه نیست.

## الگوی حل مسأله

- اکثر متخصصان آموزشی معتقدند که برای جذب بهتر محتوای آموزشی لازم است که شاگردان به صورت فعال دیده ها، شنیده ها و تجارب خود را درباره محیط به نحوی تنظیم کنند که یافته ها و اطلاعات جزئی، بخشی از ساخت شناختی پایدار آنان شود.
- این امر امکان پذیر نیست مگر اینکه دانشجویان نسبت به اطلاعات و معلومات مورد نظر احساس نیاز کنند.
- دانشجو اگر در کلاس درس راه حل های علمی و منطقی را بیاموزد خود به دنبال حل مسایل خواهد رفت.

# مراحل اجرای الگوی حل مسأله



الف- طرح مسأله یا یازنمایی مشکل

ب- جمع آوری اطلاعات

ج- ساختن فرضیه

د- آزمایش فرضیه

ه- نتیجه گیری، تعمیم و کاربرد

# طرح مسأله یا یازنمایی مشکل

- فرایند حل مسأله با طرح مسأله آغاز می شود.
- انتخاب مسأله مناسب برای شروع تدریس یکی از مهمترین مراحل انجام کار به شمار می رود.
- اگر مسأله توجه دانشجویان را جلب نکند یا برای آنان برانگیزاننده نباشد، کاربرد این الگو مشکل خواهد بود.
- اگر نوع مشکل، از نظر زمان، مکان و محتوا با خصوصیات فراگیران هماهنگ باشد فراگیران در یافتن راه حل مسأله، علاقه مندی بیشتری نشان خواهند داد.

- بنابراین لازم است قبل از طرح مسأله تا حد امکان، خصوصیات نظیر سن، میزان تحصیلات، رشد ذهنی و عاطفی، ویژگیهای فرهنگی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و سرانجام میزان علایق و رغبتهای دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد.
- نکته قابل توجه این است که مسأله باید پاسخ پذیر و حل آن برای فراگیران امکان پذیر باشد.



# جمع آوری اطلاعات



- باید به کمک و هدایت مدرس به دنبال اطلاعات برود.
- منابع گردآوری اطلاعات باید از منابع علمی معتبر باشند.
- کتب درسی یا غیر درسی، روزنامه ها و مجلات، مصاحبه با صاحب نظران، تجارب مستقیم و ...
- اطلاعات جمع آوری شده باید با توجه به معیارهای صحیح و علمی طبقه بندی شوند تا فراگیر بتواند بر اساس طبقه بندی انجام شده روابط میان اطلاعات موجود را درک کند.

# ساختن فرضیه

- منظور پیش بینی راه حل‌های احتمالی برای حل مسأله است.
- فرضیه‌های اولیه بر اساس نگرش و شناخت پیشین فراگیر و اطلاعات و شواهدی که در اختیار دارد در ذهن او شکل می‌گیرد.

# آزمایش فرضیه



- فرضیه حدسی است که بر اساس اطلاعات پیشین و شواهد موجود، در برخورد با دنیای خارج، در ذهن دانشجو شکل می گیرد.
- دانشجو باید اطلاعات و شواهد موجود را تحلیل کند و قالبهای فکری، گرایشهای کلی، تفاوتها و تشابه هایی را که در میان شواهد به پذیرش یا رد فرضیه منجر می شود مشخص کند؛
- به عبارت دیگر آزمایش فرضیه فعالیتی است آگاهانه که در آن اطلاعات جمع آوری شده تحلیل، ترکیب و ارزشیابی می شوند.

# نتیجه گیری، تعمیم و کاربرد



- بدون نتیجه گیری مسأله حل نخواهد شد.
- اساس این الگو آن است که دانشجو مشکلی را که با آن مواجه می شود به نحوی قابل قبول برای خود حل کند و مفاهیم تازه ای را یاد بگیرد.



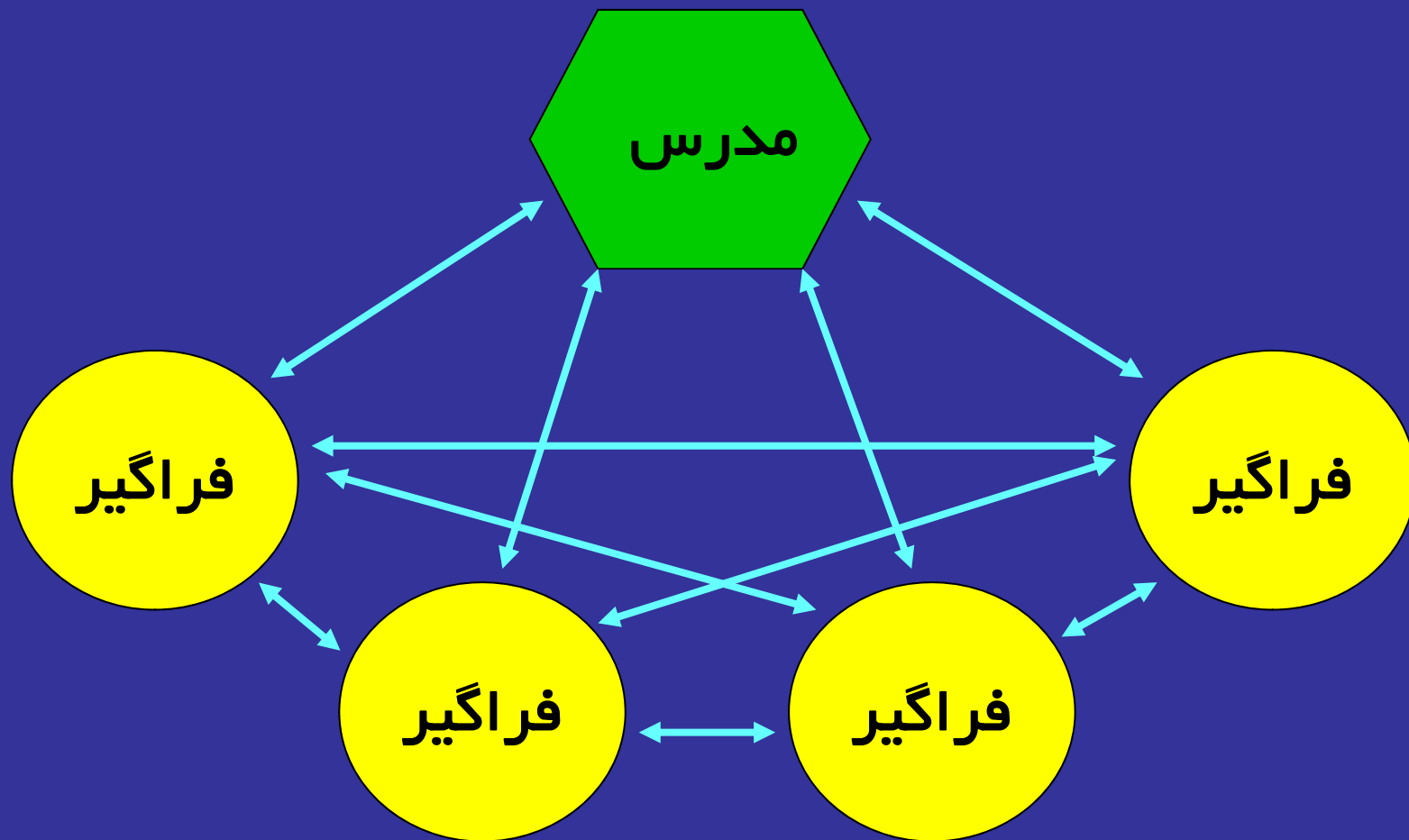
- تذکر: در جریان حل مسأله، همیشه نمی توان مراحل بالا را به صورتی که انتظار می رود طی کرد. ممکن است دانشجو قبل از اینکه اطلاعات موجود را بررسی کند، فرضیه ای پیشنهاد نماید و عجلانه به نتیجه قاطعی برسد.
- در چنین مواردی مدرس با انعطاف پذیری و ظرافت لازم باید بکوشد دانشجو را در جریان درست حل مسأله قرار دهد و او را بر آن دارد تا ترتیب و توالی مراحل بالا را رعایت کند.



- در الگوی حل مسأله بر خلاف الگوی پیش سازماندهنده نقش معلم انتقال و ارائه مطالب درسی نیست.
- او نقش راهنما را در فرایند تدریس بازی می کند.
- او به جای انتقال اطلاعات و واقعیت‌های علمی، روش کسب اطلاعات را به دانشجویان می آموزد.
- دانشجویان نیز دریافت کننده محض نیستند بلکه فعال و در طرح و اجرای برنامه دقیقاً سهیم و شریک هستند.
- در این الگو علاقه و رغبت و توانایی دانشجویان همواره مورد توجه است به همین دلیل محتوای آموزشی از پیش تعیین نمی شود.



- به جای انگیزه های بیرونی از انگیزه های درونی استفاده می شود.
- مقررات خشک بر کلاس حاکم نیست.
- دانشجویان دائماً با مدرس در ارتباطند و ارتباط آنان دو جانبه صمیمی و همراه با حس احترام است.
- در الگوی حل مسأله تنها مدرس نیست که با تک تک دانشجویان ارتباط برقرار می کند، بلکه همه دانشجویان با همدیگر و نیز با مدرس در ارتباط هستند.
- نقش مدرس نقش مشاور و راهنماست.





- در این الگو مدرس یگانه منبع اطلاعات نیست و کتاب درسی نیز یگانه وسیله آموزشی به حساب نمی آید.
- نیروهای انسانی دیگر، کتابخانه، آزمایشگاه، فیلم، موزه و محیط واقعی همه و همه می توانند منبع دریافت اطلاعات باشند.
- محیط آموزش فقط کلاس درس نیست.

